



چهره زن در اسلام و زن ایرانی در تشیع امروز (۲)

مادران بتوانند بکارهای اجتماعی روزانه خود بپردازند. پس بنا بر اصل لزوم تعاون فرد در سازندگی اقتصادی و اجتماعی جامعه و هم خانواده، زن و مرد هر دو میتوانند با هم در اجتماع بکار بپردازند و هر دو با هم حاصل کار را در خانواده به مصرف رسانند و بالطبع با سازندگی های فکری و ذوقی خود بر اعتلای ترقی اقتصادی و اجتماعی کشور خود بیافزایند. لاجرم با پذیرش الزامی این حقایق موضوع ماندن زن در خانه فقط برای تربیت فرزند و گرفتن حق کار و نفقه از مرد جملگی از لوازم زندگانی دوران های گذشته و امور منتفی شده امروز بشمار می آید.

در اینجا برمیگردیم به تاریخ زن ایرانی از سده پنجم به بعد، کثرت جهل و کوتاهی بیانی جامعه ایران جایگاه بلند زن شیعی ایرانی را در هم شکست و فروریخت. خوار و بی مقدار شد و بگوشه ای خزید. این دوری از فعالیت های مستقل و سازنده اجتماعی اندک اندک اندیشه فضائل و نیروی خلاقیت او را خمود و نابود ساخت. بحکم طبیعت بفردی کوتاه اندیش و توکلی، متملق و دورو و دروغگو بدل گشت و در بندار و رای آن اعصاب به تیره روانی و بی خردی و ضعف عقل نام بردارد گردید. عقاید سخیف درباره او بگفت و نوشت آن روزگارا درآمد. تنها تو بزرك مرده از او بخوبی یاد گردند. سصدی گلت :

اصولا این حقیقت بارز است که بحکم قانون سیر طبیعت بسوی کمال، اصول و ضوابط مادی و معنوی زندگی بشر و شعور و ادراکات او همانند دیگر مجموعه تکامل اجتماعی، دائماً در گذشت اعصاب در حرکت و تحول و تغییر شکل است اما بصورت کاملتر. شیوه تفکر انسانی یعنی آن تفکری که میکوشد تا انسان را از اندیشه اسطوره سازی در تاریخ نیک و بد و پست و ناپستند رها سازد، در ادوار حرکت دائم و پیشرونده خود، همه ملاکها را تغییر میدهد و کاملتر و کاملتر می آفریند. حتی شکلهای گوناگون ایده نولوژی ها و فرهنگها و هنرها و صنعتها و دانشها و حقوقها همه بصورتی دیگر آفریده میشود. فی المثل ضوابط حقوق بردگی و تجارت غلام و کنیز در گذشت ۱۴ قرن موضوعی است که امروز بکلی از میان رفته و جزینداری محض از آن باز نمانده یا آداب جنگ و لوازم آن از تیزو کمان و شمشیر و سپر امروز دیگر باموشک های جنگنده و حشت انگیز برابریستند. یا مسافرت با الاغ و شتر و کجاوه همتای مسافرت با هواپیماهای جمبوجت و کنکورده که نمونه هائی از صنعت تکمیلی امروز است نمیتوان دانست. لاجرم بحکم قانون تغییر ناپذیر مجموعه تکامل در اجتماع هر عصر و زمان، امروز دیده میشود که در نقاط متمدن جهان وسائل تعلیم و تربیت دسته جمعی کودکان برای چند ساعتی در روز، بتوسط گروه هائی از زنان تحصیل کرده فراهم گردیده است تا

کنار و بر مادر دلپذیر
بهشت است و پستان او جوی شیر
درخت است بالای جان پرورش
ولد میوه نازنین در سرش
نه رگهای پستان درون دل است

اگر بنگری شیرخون دل است
مولوی در فصلی از کتاب فیه ما فیه در نصیحت
به پسرش سلطان ولد نوشت «بجای اینکه زن را بخود
پاک کنی خود را مهذب کن. زن را بعنف دلالت مکن که بزجر و منع
بدر شود. اگر او را گوهری پاک باشد که نخواهد کار بد کند اگر
منع کنی یا نکنی او براه طبع نیک خود و سرشت پاک خواهد رفت
فارغ باش و تشویش مخور. اگر خواهی کار بد از زن ظاهر نشود و
خود کار بد مکن.

جفت باید بر مثال یکدگر
کرد و جفت گفشی و در موزه نگر
جفت هائی جفت باید هم صفت
تا بر آید کارها با مصلحت
گر یکی گفشی از دوتنگ آید بیا
هر دو جفتش کار ناید مر ترا

در نیمه آخر سده هفتم اسلامی، بزرگی دیگر از عرفای حکیم
و سخنوران نامی سید میرحسنی سادات هروی، هفت رساله گرانها
در عرفان و حکمت بهمنش و نظم برنگاشت، یکی از آنها بنام طرب
المحاسن شاهکاری است در حکمت و روانشناسی اجتماعی و او اولین
کسی است که در آن فصلی خاص در چگونگی سرشت نیک و بد زن
آورده و گفته: در میان این طایفه به نسبت قرب و بعد هرنفس با دل،
نیکان و صالحان آن طایفه بسیار پدید آمده چنانکه در کتاب مقدمان
ذکر زنان صالحه که در هرامتی بوده اند، منظور است و حق جزو
علی در قرآن صفت نیک زنان چندین جا مکرر فرموده و از حضرت
محمد در حق ایشان روایت است و از این امت نخست یکی از مشاهیر
رابعه است که در کمال تقوی بوده و بعد از او الی یومنا هذا چندین
هزار بوده اند و خواهند بود، هم بدان نسبت که مردان بوده اند. باتمام
این تمجیدها و آفرینها باز هم زن ایرانی در آراء عامه همچنان باسیاه
روزی و ادبار پیش میرفت تا در اواخر صفویه که یکسره بگرداب تیره
سیاست استعماری غرب در آسیا (از راه ایران) فرو افتاد. استعمار
چیان بر سفره گسترده فرود آمدند. اما اسلام همانند سدی در مقابل
بود. متعصبان مسیحی غرب از آن ترسیدند بی آنکه آنرا بشناسند.
بانهادی تیره در پی خفت و خواری آن شدند و با اسلحه تبلیغات منفی
و تهمت بفرهنگ و تمدن بزرگ آن بجنگ برخاستند. در آن میان بیچارگی
زنان مسلمان را مهره بس سودمند و بجای خود نشسته بر صفحه شطرنج
خود یافتند شیوه زندگانی و اسارت آنان تیری بر هدف خورده بود.
آنان از آن «حاجی باباها» نوشتند و بالحن طعن آمیز و تحقیر و تخفیف
اشاره ها کردند. اسلام را دین شمشیر و زنان آنرا نادان و خرافاتی
و در گذشته حرما همچون کنیزان محبوس بانگهبانان و قراول گفتند.
قوانین تعدد ازدواج و طلاق را اصولی شرم آور و غیر انسانی قلمداد
کردند. مگر با همه این سینه چالک زندها باز موقعیت زن ایرانی را
بهمانگونه که بود برای پیشرفت هدفهای ناپاک خود لازم دیدند و لاجرم
کار زبونی زن ایرانی از دوران فاسد و اواخر صفویه و اوایل قاجار بعد
بینهایت کشید. پرده نشینی و جهل و خرافات پرستی او عامل موثر
برای بکار بردن انواع فسادهای ننگین در پیشرفت مقاصد استعماری آنها
گردید. حتی زنان حرم سراسر توسط خواجها و حرم مجری هدفهای سیاسی
و اقتصادی آنان گردیدند و این اسارت مخوف همچنان ادامه یافت.

با تمام این کوششها باز بسیاری از زنان دانش خواه با وجود پرده
نشینی در تمام آندورانها از هر فرصت استفاده میکردند و بوسیله معلمان
سرخانه یا برفتن بدانشگاههای خارج دربی دانش زمان بودند و با بکار
های فعال میپرداختند. فیالمثل در انقلاب مشروطیت با تقویت های
فکری مستر شوستر در تهران، در زیر چادر و چاقچور اسلحه (رولور)
بیر میگرفتند و در برابر مجلس شورا و کلا و اشراف دولتی خانرا که در
خدمت استعمار برای تجزیه ایران میکوشیدند تهدید به قتل میکردند.
یا برای جلوگیری از قرضه اضطراری از روسیه تزاری همگان آنچه زرو
زیور داشتند بیدریغ میدادند. از اینرو دست اندرکاران استعمار پس
از دریافت شهامت و بیداری فطری زنان ایرانی، رنگی دیگر از نو گرفتند
سیاست پرده نشینی کهنه شد و روزهای سیاه و پر ادبار و سخت، به
شکلی دیگر پدید آمد. این بار زن عروسک خیمه شب بازی بود
و وزیر و سفیر میشد و در استعمار پول سازان تجارت و تبلیغات سینما و
تلویزیون در افتاده بود. اما باز بسیاری از زنان و دختران طبقات
مختلف در کسب علوم پیش رفته این عصر دست بر نمیداشتند مگر در
همانحال فقر و بینوائی مادی و معنوی جامعه را بستوه آورده بود.
همگان از زن و مرد و دختر و پسر آتشی سوزان بودند اما در زیر خاکستر
نهفته. آنگاه که ندای انقلاب برآمد، جملگی براه افتادند و بادادن
قربانیها و دیدن شکنجهها کوشیدند تا خانه ویران ایران را بنیادی
نوراندازند. در یفا چند روزی نگذشت که غوغای حجاب بخلاف خواست
امام بتحریک عوامل ناپاک طاغوتی و بدست ولگردان، آزار زنان همه جا
در گرفت. نوعی بهت و نومیدی حاکی از هراس واقعی دلهای زنان وهم
مردان دانا را بریشان ساخت. بنا بر اصل دفاع از حق آزادی و حیات
اجتماعی خود بیا برخاستند.

ایا انسانی که میرفت بحکم خداوند مستقل و آزاد و مساوی
با مرد در کارهای اجتماع قدم نهد و با آنهمه سوابق درخشان تاریخی
که همه نشانها از قدرت نفس و شایستگیها و خردمندیها و فضائل
اخلاقی او دارد، باز باید در قید و بند تستدوم شدن و مشروط و
مقید زیستن در افتد؟ نکند آرام آرام و خوش خوش او را از شرکت در صرف
مقدم اجتماع و سیاست بکنج خانه و تنها بزن خانه بودن بکشند؟
در حالی که خدای او آزادی در فعالیتهای بی شرط و قید او را بر پایه
تقوی و نیت و باطن پاک و نه بر صورت ظاهر امر فرموده! در آن میان
هر چند حضرت آیتاله خمینی و مفسر بزرگ طالقانی (روان شاد)
بی تامل و خامت را دریافتند و با چندین اعلامیه و تفسیر حق انتخاب
لباس زنان را بخودشان واگذاشتند و گفتند که منظور اصلی همان
پوشش معنوی و وقار و عفت اوست نه لباسی خاص.

همچنین مزاحمت زنان را هم بشدت منع کردند، اما سخنها
همچنان ادامه یافت، تا آنجا که جنجال آن ناروائیها بکشور های
دوست و دشمن رسید و در مطبوعات مفروض آنها با ابراز تأسف و
دلسوزیهای آمیخته به طعن و تمسخر و استهزاء از زیر پرده رفتن
دوباره زنان ایرانی و راندن آرام آرام آنها از اجتماع هر روز منعکس
میگردد. زنان روشن بین بزودی دریافتند که گفته چو بیان داخلی
و خارجی باز انگشتی بر آن حرف نهاده اند، تا در آن آب گل آلود شاید
ماهی بگیرند و در این هنگامه برخطر و حساس که وحدت کلمه و اتفاق
کامل زن و مرد امری حیاتی است، شکاف اندازند. پس با عقل اندیشی
از شور و غوغا دست کشیدند، مگر باز شورش طلبان دست از طلب
برنداشتند و شنیده میشد که زنان را با بهانه های گوناگون از باره ای
ادارات و تشکیلات بیرون گذاشتند. و تا با امروز هم در تلویزیون یا گاه
بگاہ چند لحظه زنی دیده میشود یا تنها صدای او می آید در حالی
که دست اندرکاران از تاثیر روانی این اعمال در آلمان مردم بیخبرند.
زیرا امروز در ایران هستند زنانی که دانشگاهها دیده و زحمتهایشان



با از حقایق متعالی دین و علوم قدیم و جدید برخوردار شده اند ، فی‌المثل میدانند که کلمه حجاب که امروز ناگهان در میان افتاده و در سوره احزاب (آیه ۵۳) آمده بگفته دکتر شهید مطهری (کتاب حجاب ص ۱۵۲) غیر از معنی پوششی است که در اصطلاح فقه زبیر

عنوان ستر آمده است. حجاب بمعنی پشت پرده یا دیوار یا دراست و ستر بمعنی پوشش و لباس. بتحقیق مفسران بزرگ رسم اعراب جاهلیت چنین بوده که گاه بگاه سرزده و بی اجازه بخانه یا اطاقهای یکدیگر که همواره (مانند تهات) درگشوده بوده میرفته اند (حتی بخانه بیغمبر) و در این آیه یعنی اگر نیاز بدیدن کسی یا چیزی دارید از پشت پرده یا در اجازه ورود بگیرید (کتاب حجاب ۱۵۲) منظور اسلام از پوشش (ستر) هرگز پرده نشین ساختن زن درخانه نبوده است. زیرا زنان خاندان بیغمبر همواره در سفرها با او بوده اند. مهمترین آیات در باب پوشش تنها دو آیه ۳۰ و ۳۱ در سوره نور است و دیگری آیه ۵۹ در سوره احزاب. دیگر آیه ها در قرآن کم و بیش بر مبنای همان دستورها قرار دارند. در آیه ۳۰ اول خطاب به مردان شده: قل للمؤمنین یغضوا من ابصارهم و یحفظوا فروجهم... الخ (یعنی ستر عورت کنید زیرا ستر عورت در بین اعراب جاهلیت معمول نبوده) جمعا یعنی بمردان بگو دیدگان پائین اندازند (خیره خیره نگاه نکنند) و ستر عورت نمایند و این برای آنها پاکیزه تر است ، بلافاصله پس از آن با همان کلمات بی کم و زیادتر آیه ۳۱ خطاب بزنان شده: «بزنان بگو تا چشمها از نگاه بد بازگیرند و ستر عورت نمایند» نکته در این جاست که در این دو حکم نخست بمردان امر شده و سپس بزنان پس بحکم اجتهادهای درست فلسفه باطنی در این دو آیه يك حقیقت جاودانه و آشکار نهفته است که زن و مرد مشترکا در رفت و آمد اجتماعی خود می باید باتقوی معنوی و وقار حقیقی باشند زیرا تقوی بمعنی پرهیز از هوای نفس است و پاک داشتن دیده و دل از فساد.

باز در دنباله آیه ۳۱ آمده است که: لا یبدین زینتهن الا ما ظهر منها . الخ. یعنی بزنان بگو که زینتهای خود را جز آنچه آشکار است ظاهر نسازند و مقنعه هاشانرا در گریبانها کشند و برودش خود را بپوشانند. بانظری بر اجتماع اعراب در آن زمان تفسیر حقیقی این قسمت این است که از اینجهت که اعراب از فتوحات خود ذرو زیور بسیار می آوردند و زنان گاه و بیگاه آنها را پوشیده بگوچه میرفتند و لاجرم مورد آزار و حمله و لگزدان میشده اند (من در سفر نخستین خود بسانفرانسیسکو باخانمی که رئیس زندان زنان در آن شهر بود آشنا شدم او بمن توصیه کرد که شبها اگر تنها در تاکسی باشم هرگز زینتی چشمگیر نپوشم تا از خطر دزدان حتی راننده تاکسی در امان باشم.) آیه دیگر در سوره احزاب (آیه ۵۹) چنین آمده: قل یدفین علیهن من جلابینهن... الخ «بگو ای بیغمبر زنان مومن را که پیراهنهایشان را در اطراف خود ببیچند و این برای آنها بهتر است». لغت جلاب در المنجد یعنی پیراهن گشاد. در قاموس و مفردات، و راغب، و کشاف. همه نزدیک بهمین معنی است. بتحقیق درست مفسران ، این آیه اول تاکید است برای حکم در آیه ۳۱ که دستوری کلی و همیشگی است. نایباً مخصوص موردی خاص بوده که ولگردان کوچه بزنان آزار رسانیده بودند. در تحقیق تاریخی مفسران بکن از لباسهای سنتی و معمول زنان بدوی پیراهنی گشاد بنام هاشمی بوده که از دو طرف پهلو تا پائین و شانوسینه باز میشده است (من خود در خوزستان دیدم که زنان عرب زبان آنجا هنوز آنرا باهمان نام میپوشند و پارچه نازک بنام مقنعه بر روی آن تا پائین میاندازند) چنان مینماید که حکم بیچیدن این پیراهن بر اطراف بدن، و دامن مقنعه را در گریبان کردن (آیه ۳۱) بمنظور مستور داشتن پهلوها و سینههای باز که مرسوم زمان جاهلیت بوده آمده است.

دیگر از مسائل مهم قرآن که توجه خداوند را نسبت بسزن میرساند بزرگداشت زن و قدر نهادن و برابرداشتن شخصیت او بامرد است که در قرآن از آن سخن بسیار رفته. از جمله در سوره آل عمران

(آیه ۱۹۵): انی لا اذیع عمل عامل منکم من ذکر او انشی بعضکم من بعض... الخ.

من عمل هیچکس را از مردو زن بی‌مزد نمیگذارم. چه همگی در نظر من یکسانند و بعضی بردیگری برتری ندارند جز بمعرفت، دگر (سوره الحجرت آیه ۱۳) خطابیست برابر به همگی مردمان (زن و مرد) یا ایها الناس انی خلقناکم من ذکر و انشی شعوب و قبایل... الخ ای مردم من شمارا هم از مردو زن در شعب و قبایل مختلف برابر آفریدم و هیچکس را بردیگری جز تقوی امتیاز نهدم. باز (سوره مومن آیه ۴۰): ومن عمل صالحا من ذکر و انشی و هو مومن... الخ. یعنی هرکس از مرد و زن کار نیکی کرد مومن است و در بهشت میرود. دیگر سوره نحل (آیه ۹۷) هرکس از مرد و زن که نیکی کند صالح است و ما او را با سعادت و زنده ابد میگردانیم و اجری بسیار بهتر از آنچه کرده باو عطا میکنیم، اینک جایگاه زن ایرانی در تشیع امروز بایان چند حقیقت مسلم میگردد - یکی آنکه بشواهد این احکام قرآنی و در این عصر که اوج علوم و فنون و هنر و صنعت و تکنولوژی شگفت انگیز بشر، گیتی را بصورت یک دایره بهم پیوسته درآورده است مرد و زن بر فراز آسمانها در پروازند و خدا میداند تا به کجا برسند، و در میدانهای جنگ پشت بر پشت هم در خدمتاند، زن تربیت و کمال یافته در مکتب حقیقی تشیع ایران و آگاه بحقوق و وظائف امروز خود چگونه تاب می‌آورد که در اجتماع و در صف مقدم بامرد پیشرو نباشد و با آنکه بفرمان طبیعت اجتماعی آفریده شده برون از اجتماع و فقط در خانه و زن خانه دار بودن قناعت کند؟ و محالست که فقط بیم برانگیخته شدن فرائز جنسی مرد (باینجه مساوی یک واحد بشری) در خانه بخزد و در اجتماع بلباس تارک دنیا درآید؟ بگفته دکتر شهید علی شریعتی: «در طریقه کاتولیک زن نقشی مهم ندارد.»

مریم از آنجهت محترم است که مادر عیسی است و نه اینکه مریم است. پس ترک گفتن خانه و زن و فرزند را و آنچه از لوازم زندگانی مرفه در این جهان است (حتی لباسهای آراسته و معمول زنان) میپسندد. هر زن که دنیا را ترک گوید از همان آغاز کار تمامی موی سر را میتراشد و با پارچه های سیاه اندام و سر را کاملا میپوشاند و باقی عمر را در درون کلیسای تاریک و خفه با انجام تمامی خدمات ازبست و عالی میگذراند. اما در اسلام چنین نیست. ترک دنیا گفتن و مرتاض شدن مگروه است. زن در پیش خداوند عزیز و محترم است. تارک دنیا نیست بلکه وارد آن است. هم پیدایش و پرورش نوع و هم خدمت در اجتماع هر دو برعهده اوست. بگانه اصل بقاع بشریت است و مسئولست که با شوق و ذوق تمام همه را انجام دهد و در پیشگاه خداوند مستقلا و بیواسطه جواب گوید. لاجرم دیدگاه و هدف غائی زن مسئول ایرانی در تشیع امروز اوجی بالاتر گرفته و در این قدر مختصر قانع نیست. از این بیعت نلش و کوشش او برای دستیابی به عالمی گسترده تر و متعالیتر است تا چابک و چالاک با جسمی قوی و ورزیده و آزاد از قید و بند پوششهای دست و پاگیر بانازک نارنجی (فانتزی) قدمهایش را استوارتر بردارد و با اعتلای تمامی حقوق انسانی خود که قرنها در ظلمت جهل پوشیده بوده خویشتن را در برابر دیده جهانیان برتر، یا اقلا همدوش زنان بزرگ جهان قرار دهد.

دیگر آنکه، والله جمیل و یحب الجمال. خداوند زیبایی مطلق است و زیبایی را در تمامی مظاهر گیتی دوست میدارد. زن نیز یکی از مظاهر جمال الهی است و از رسانتهای اوست که روحا و جسماد بر معنی و بصورت از معایب پیراسته باشد و باوقار و تربیت در رفتار و سادگی لباس عادی زمان آراسته گردد. مظهر جمال الهی نیست که با صفای روح و نیت پاک و عزت نفس و متانت و ادب در گفتار و کردار،

خود را بیاراید و در بلاها و مشکلات زندگانی خانواده خود و دیگران مدد کار و راهنما باشد. بردبار و صبور و آرام و مهربان و دور از غرور و خودکامگی بحال خلق و خانواده تا میتواند سودمند بماند در همان حال نیز شیرین سخن و هوشمند و بذله گو و لطیف طبع و نکته سنج و سرشار از ذوق و شوق یک زندگانی شریف باشد این چنین زنی مورد مهر پروردگار است.

در شیراز مثلی است در تعریف زن خوب که «چنان خوبست که خدا برای دوستی دل خودش آفریده» و این چنین زنان هنوز در ایران بسیارند. لاجرم این جامعه شوریده و پریشان امروز بحضور این زن و شرکت مستقل او در اجتماعات و بکار انداختن نیروی مغزی و خلاقه او در تشویق برفع سختیها و مشکلات امروز و ایجاد وحدت کلمه بینهایت نیازمند است و فعالیتش در صف مردان بسیار ارزنده و تشویق کننده. آیا زنان عرب در نینوا یک روز پس از فاجعه کربلا بار اراده و اندیشه خلاقه خود مردانشان را که بانصمیم آنها مخالف بودند بر نیانگیختند و بادست خود بیکر شهیدانرا بخاک نسپردند و از تلاشی شدن در آفتاب سوزان پیشگیری نکردند؟ یا مگر امروز در کشور های بزرگ پس از تجربه های متداوم سالیان دراز فضاوت زنان را در پیچیده ترین غوامض حقوقی، بدادگاه و انگداشتند؟ پس چرا امروز در امر سرنوشت زن در قانون اساسی، زنان تحصیل کرده، قضائی و حقوقی را بیازی گرفته اند و یا اساسا به آنها اجازه فضاوت نمیدهند باین بهانه که صاحب احساسات رفیق و دل نازکند یا بجرم جهالت و مسخ عقاید اسلامی در قرون وسطی اسلامی بضعف عقل و عدم شایستگی نام بردار شده اند؟! آیا همین صاحبان احساسات رفیق قرن بیستم در میدانهای جنگ دوش بدوش مرد خدمت نمیکند؟ یا در جراحیها و کالبد شکافیهای سخت در بیمارستانهای بزرگ از شدت رفت بیهوش میشوند؟ گفته حکیمانه است که «شیرکه از جنگل بیرون می‌آید تر و ماده ندارد» بحکم این حقایق از این هشدار نمیتوان گذشت که کار این سختگیریها و غفلت‌های نابجا بجائی نکشد که این آرامش‌نازکی امروز زنان مستور و سربرهنه و هم مردان آگاه و بیدار دل به کینه و نفرت‌های بی‌امان بدل شود و نفاق و دشمنی بجای اتحاد و اتفاق نشیند. لاجرم جعلی زنان امروز از چادری و بی‌چادر، تحصیل کرده و بیسواد از حضرت امام خمینی و آیت‌الله شریعتمداری و سایر علمای اعلام که بارچ و مقام زن در اسلام آگاهند بجدیت میخواهند که برای نخستین بار در تاریخ اسلام پس از پیغمبر حکم دینی صریح درباره کلیه حقوق حقیقی فردی و اجتماعی زن و تساوی او با مرد که تاکنون فراموش مانده، صادر کنند که قاطع و آشکار در این قانون اساسی به تفصیل و تصریح تاکید گردد چه اگر جز این شود و مفروضان متعصب کوته اندیش تنها کلامی چند از پاره قوانین مبهم بیاورند و بقیه را نادیده انگارند و محدودیت های برادبار گذشته زن را دوباره گسترش دهند همگان از هم اکنون هشدار میدهند که بیشک نتایج نامطلوبی ببار خواهد آمد زیرا این حقیقتی تاریخی است که موفقیت این انقلاب تنها در گرو پیوستگی و اتحاد کامل مردان و زنان آگاه معتقد به تحول اساسی سرنوشت انسانها (اعم از زن و مرد) در حال و آینده است، پس قبول این اصل و عمل به آن است که باید مخلصانه اهرمی نیرومند برای این موفقیت دانست نه فراهم ساختن تفرقه و نفاق و دشمنی و کینه بواسطه غفلت یا نفی ضوابط عقلی و حقوقی زنان. زیرا متأسفانه در آن وقت است که از ظلم و بیعدالتی اسلامی در باره زن بر تبلیغات چهارصد ساله استعمار صحنه و مهری آشکار و عالمگیر خواهد خورد و شکست برای اسلام بدست مسلمانان در برابر جهانیان و تاریخ فراهم خواهد آمد فاعتبروا با اولولابصار!